

رئیس‌جمهور آمریکا در مسیر خارج کردن روسیه از بازار انرژی در آستانهٔ به دست آوردن همراهی هند و ترکیه است

جنگ انرژی ترامپ با پوتین



ایده ضربه به توان مالی روسیه از مسیر فروش نفت، از همان آغاز جنگ اوکراین مطرح شد و نقاط عطفی مانند تلاش برای تعیین سقف قیمتی بر نفت این کشور را هم تجربه کرد، اما به نظر می‌رسد «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا پس از بروز بن بست در سیاست‌هایش در رابطه با مسکو، درصدد تشدید تلاش‌های پیشین برآمده است. ترامپ در جریان دیدار با «رجب طیب اردوغان»، رئیس‌جمهور ترکیه که منجر به امضای قرارداد ۴۳ میلیارد دلاری خرید گاز از واشنگتن شد، از مقامات این کشور درخواست کرد فکری فوری در باره کاهش و توقف خرید انرژی از روسیه داشته باشند. ترامپ تلو یحاً اعلام کرد ترکیه اگر قصد دارد جنگنده‌های رادار گزن نسل پنجم اف-۳۵ را دریافت کند، باید کاری برای آمریکا انجام دهد؛ گامی که برخی معتقدند همان توقف خرید انرژی از روسیه است. ترکیه یکی از سرمایه‌گذاران اولیه و اصلی در ساخت جنگنده اف-۳۵ بود، اما آمریکا این کشور را به بهانه خرید سامانه پدافند هوایی اس ۴۰ از روسیه، از خرید این جنگنده محروم کرد.

نکات

۱. رفتار کنونی دولت ترامپ یک سنجش برای نقش اقتصاد و سیاست در تصمیم‌گیری‌های آمریکا در دولت او است؛ اینکه کدام یک می‌تواند بر دیگری برتری یابد.
گزارگری بلومبرگ اخیراً در گزارشی اعلام کرد که در میانه تنش‌ها میان هند و آمریکا که ریشه در مسائل تجاری دارد، دهلی‌نو از واشنگتن درخواست کرده تا در ازای کاهش یا توقف واردات نفت از روسیه، این کشور نفت مورد نیاز خود را از ایران و ونزوئلا تأمین کند؛ گفته می‌شود دولت ترامپ به این درخواست روی خوشی نشان داده، اما مشخص نیست سخت‌گیری‌اش در این مسیر تا چه میزان خواهد بود. برای دولت ترامپ مطلوب است که به هند برای جایگزینی نفت روسیه با ایران و ونزوئلا روی

خوش نشان ندهد زیرا با این کشورها نیز در تنش است، اما احتمال دارد اگر راه دیگری وجود نداشته باشد، در این زمینه اندک انعطافی نشان دهد. در همین راستا گزارش شده که هند پس از مدت‌ها واردات نفت از ایران را از سر گرفته است. آمار منتشرشده توسط وزارت بازرگانی و صنعت هند حکایت از آن دارد که این کشور در ماه ژوئن محموله‌ای به ارزش ۱۱۱ میلیون دلار از ایران وارد کرده است. ایران در مقایسه با ونزوئلا نفت سبک‌تر و سابقه بیشتری در فروش و انطباق با ساختار پالایشگاه‌های هندی داشته و به این کشور نزدیک‌تر است. از سوی دیگر واشنگتن و کاراکاس با ارسال ناوها و جنگنده‌های آمریکایی به نزدیکی سواحل ونزوئلا تنش‌های شدیدی را پشت سر می‌گذارند. این احتمال وجود دارد که ترامپ با اولویت پیدا کردن مهار روسیه و همچنین اهمیت درگیری با ونزوئلا برای این کشور، اندکی در خصوص خرید نفت از ایران توسط هند انعطاف نشان دهد؛ به‌ویژه آنکه این انعطاف می‌تواند انگیزه‌ای برای تهران جهت مذاکره و انجام معامله با واشنگتن باشد.

بااین‌حال دلیل عمده شاید در حوزه دیگری باشد. از نظر تقاطع بازاری‌های فروش، آمریکا و روسیه تقاطع بیشتری با یکدیگر دارند. عمده مشتری نفت ایران، چینی‌ها بوده و در گاز نیز به عراق صادرات صورت می‌گیرد. در مقابل، روسیه به‌طور گسترده‌ای با وجود تحریم‌ها و جنگ اوکراین همچنان به دولت‌های اروپایی به‌طور مستقیم نفت و گاز صادر می‌کند. آمریکا نمی‌تواند به چین به‌عنوان تنها مشتری عمده نفت ایران فشار وارد کند تا نفت تهران را با نفت تولیدی واشنگتن جایگزین کند، زیرا چین علاوه بر منافع اقتصادی در این خصوص اهداف ژئوپلیتیکی خاصی دارد. از سوی دیگر صادرات انرژی ایران بیشتر مبتنی بر نفت است و گاز در آن سهم بزرگی ندارد، اما در خصوص روسیه این کشور مقادیر فراوانی گاز به مشتریان متعددی می‌فروشد. این مسئله از آنجا دارای اهمیت است که صادرات انرژی آمریکا نیز بیشتر مبتنی بر گاز است تا نفت شیل که پالایش آن دشوار است. به نظر می‌رسد دولت ترامپ فعلاً به منافع اقتصادی اولویت داده و به هر شکل خواهان تضعیف روسیه در بازار انرژی به‌ویژه گاز است تا شرایط

رقابت کریدورها در چهارراه جهان

حسین صالحی خبرنگار

ایران به‌واسطه موقعیت ژئوپلیتیک خود در تقاطع شرق و غرب می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در ترازیت کالاهای جهانی ایفا کند. این موقعیت فرصت بالقوه‌ای برای جذب سرمایه و درآمد اقتصادی فراهم می‌آورد، زیرا کشورهایی که در مسیر کریدورها قرار می‌گیرند، از منافع مالی و راهبردی قابل توجهی در منطقه رقابت بین کشورها برای مدیریت و کنترل جهانی و افزایش نقش کشورهای شرقی در تجارت جهانی، اهمیت مسیره‌های کوتاه و مطمئن ترانزیتی بیش از پیش افزایش یافته است. در این چهارچوب، ایران می‌تواند به یکی از مهم‌ترین شاهراه‌های ترانزیتی تبدیل شود؛ اما این ظرفیت هنوز به‌طور کامل فعال نشده است. چالش اصلی ایران، بحران‌های امنیتی و سیاست‌های تهدیدآمیز است که موجب شده کشورهای رقیب مسیره‌های ترانزیتی را دور بزنند و تلاش کنند نقش ایران را در این شبکه کاهش دهند. با توجه به وجود کریدورهای متعدد در منطقه رقابت بین کشورها برای مدیریت و کنترل مسیره‌ها شدت گرفته است. کشورهای که بتوانند سرمایه لازم را فراهم کرده و سرعت عمل بیشتری در ایجاد کریدورها داشته باشند، در بازی اقتصادی و راهبردی موفق‌تر خواهند بود. حذف ایران از این مسیره‌ها تهدیدی واقعی است که می‌تواند پیامدهای طولانی مدت اقتصادی و سیاسی برای کشور به دنبال داشته باشد. در نتیجه، بهره‌برداری هوشمندانه از ظرفیت‌های ژئوپلیتیک و کاهش بحران‌های امنیتی مصنوعی پیش‌شرط حضور فعال ایران در شبکه ترانزیتی شرق به غرب است. تنها از این طریق ایران می‌تواند جایگاه خود را تثبیت کرده و سهم شایسته‌ای از منافع اقتصادی و راهبردی در منطقه کسب کند.

جادهٔ توسعه

عراق به دنبال اجرای پروژه‌ای بزرگ با عنوان «جاده توسعه» است که هدف آن بهره‌برداری از موقعیت جغرافیایی این کشور و مرزهای متعدد آن برای تبدیل عراق به یک کریدور ترانزیتی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. این پروژه شبکه‌ای از حمل‌ونقل شامل راه‌آهن، بزرگراه‌ها و بنادر را ایجاد می‌کند که خلیج‌فارس را به ترکیه و در نهایت اروپا متصل می‌سازد. در صورت موفقیت، «جاده توسعه» نه‌تنها موقعیت ژئوپلیتیک عراق را تقویت می‌کند، بلکه بازده مالی و فرصت‌های شغلی گسترده‌ای ایجاد می‌کند که می‌تواند وابستگی کشور به درآمد‌های نفتی را کاهش داده و اشتغال در بخش دولتی را جایگزین فرصت‌های اقتصادی متنوع کند. این پروژه در پاسخ به دوره‌ای از بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی شکل گرفت که ناشی از نارضایتی عمومی از نحوه مدیریت اقتصادی و سیاسی عراق بود و هدف آن کاهش خشم عمومی و اراده تصویری از قصد دولت برای توسعه پایدار اقتصادی است. نخست‌وزیر عراق، محمد السودانی پروژه «جاده توسعه» را به عنوان ابزاری برای تسریع رشد اقتصادی و تقویت ارتباط عراق با بازارهای جهانی پذیرفته و در تلاش است آن را به عنوان دستاورد دولت خود معرفی کند.
اتلاف سیاسی حامی وی، دولت را «دولت خدمت» نامیده که نشان‌دهنده تمرکز بر ارائه خدمات و رفع نیازهای شهروندان است و در عین حال از ورود به مسائل سیاسی که مانع پیشرفت دولت‌های قبلی در پروژه‌های توسعه‌ای شده بود، پرهیز کرده است. با وجود این، اجرای این پروژه با موانعی جدی مواجه است که شامل فساد گسترده در سطح ملی، مشکلات تأمین مالی و توان اجرایی، ناامنی و بی‌ثباتی داخلی و رقابت شدید با پروژه‌های منطقه‌ای مانند «اتبارک کمربند و جاده» چین و کریدور اقتصادی هند-خاور میانه-اروپا می‌شود. در صورتی‌که پروژه به دلیل سوءمدیریت و فساد شکست بخورد، این موضوع می‌تواند نشان دهد که عراق قادر به تنوع‌بخشی واقعی به اقتصاد خود نیست و همچنان در «تله اقتصاد رانتی» گرفتار خواهد ماند. کاهش تقاضا و نوسان قیمت‌های هیدروکربن نیز می‌تواند اثرات اقتصادی شدیدی برای این کشور داشته باشد.

پروژه بندر فاو و کانال خشک

در ادامه مسیر توسعه، عراق پروژه بندر فاو و کانال خشک را در دستور کار

دارد. بندر فاو که ساخت آن از سال ۲۰۱۰ آغاز شده بود، با مشکلاتی مواجه شد اما در سال ۲۰۲۰ قراردادی ۲٫۶ میلیارد دلاری با شرکت Daewoo کره‌جنوبی برای ساخت فاز اول آن امضا شد و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۲۵ به طور کامل تکمیل شود. این بندر بزرگ شامل ۹۹ اسکله با ظرفیت میلیون‌ها تن بار و کانتینر است و پس از تکمیل، از بندر جبل علی امارات پیشی خواهد گرفت و بزرگ‌ترین بندر غرب آسیا خواهد بود. در کنار آن، کانال خشک عراق شامل شبکه راه‌آهن، بزرگ‌رو و خطوط لوله نفت و گاز است که عراق را مستقیماً از طریق ترکیه یا سوریه به اروپا متصل می‌کند و می‌تواند جایگزینی برای کانال سوئز باشد. این مسیر با کاهش ۲۰ تا ۲۵ روز از زمان حمل و نقل دریایی، فرصت‌های اقتصادی عظیمی ایجاد می‌کند و نقش عراق در ترازیت کالا و انرژی بین آسیا و اروپا را تثبیت می‌کند. این پروژه همچنین با همکاری چین و مشارکت کشورهای اروپایی برنامه‌ریزی شده تا جریان ترانزیت کالا و انرژی از طریق عراق تضمین شود. توسعه این مسیره‌های ترانزیتی تأثیر مستقیمی بر ایران خواهد داشت. در صورتی‌که ایران استراتژی مشخصی برای بهره‌برداری از فرصت‌های منطقه‌ای نداشته باشد، کانال خشک و بندر فاو می‌توانند به رقیبی جدی برای کریدور شمال-جنوب ایران تبدیل شوند و نقش ایران در ترازیت انرژی و کالا به اروپا را کاهش دهند. به همین دلیل، کارشناسان پیشنهاد می‌کنند که ایران با ایجاد و توسعه کریدور ساحلی شمال خلیج‌فارس تا دریای عمان، اتصال بندر چابهار به خط آهن شلمچه-بصره و هماهنگی با کانال خشک عراق، نقش خود را به عنوان مسیر جایگزین و ضروری ترانزیت شرق-غرب تثبیت کند. این اقدامات علاوه بر ایجاد توسعه در خط ساحلی جنوب ایران، فرصت اتصال هند، جنوب شرق آسیا و کریدور CPEC به کانال خشک عراق را فراهم می‌آورد و زمینه لازم برای تضمین امنیت تجارت جهانی و انرژی اروپا را فراهم می‌کند. در مجموع، پروژه‌های «جاده توسعه»، «بندر فاو» و «کانال خشک» عراق می‌توانند این کشور را به یک هاب ترانزیتی و اقتصادی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل کنند. موفقیت این طرح‌ها نیازمند مدیریت کارآمد، مبارزه با فساد، تأمین امنیت و همکاری بین‌المللی است و در عین حال ایران نیز باید استراتژی‌های ملی و منطقه‌ای خود را به گونه‌ای تنظیم کند که از فرصت‌های موجود بهره‌برداری کرده و نقش رقابتی خود را در ترازیت کالا و انرژی حفظ کند.

ترکیه، پروژهٔ لاجورد

این مسیر که در سال ۲۰۱۷ در عشق‌آباد ترکمنستان میان پنج کشور افغانستان، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان، گرجستان و ترکیه به امضا رسید یادآور مسیر تاریخی صادرات سنگ لاجورد بدخشان افغانستان به مناطق مختلف جهان است. براساس این پروژه، شهر تورغندی در استان هرات افغانستان با خطوط راه‌آهن و بزرگراه‌ها به عشق‌آباد پایتخت ترکمنستان و سپس بندر ترکمن‌باشی متصل خواهد شد. این کریدور بعد از آن تا پاکو، قلیس و آنکارا و سپس استانبول ترکیه ادامه می‌یابد. این کنفرانس بر اساس موافقتنامه پنج جانبه مذکور به عنوان گامی مهم در پیادمسازی کریدور ترانزیتی لاپس لازولی محسوب می‌شود که با هدف توسعه همکاری‌های سازنده در فضای ژئواکونومیکی مناطق آسیای مرکزی و جنوبی، دریای خزر و حوزه دریاهای سیاه و مدیترانه صورت خواهد گرفت. حتی پیوستن هند به راه لاجورد نیز در دست بررسی است. کشورهای عضو این پروژه به دنبال تقویت جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی خود از طریق توسعه کریدورهای تجاری هستند. برای مثال، جمهوری آذربایجان با تقویت کریدور لاجورد به دنبال افزایش جایگاه خود در ترازیت جهانی است که می‌تواند این کشور و ترکیه را به بازارهای مهمی مانند افغانستان و احتمالاً در آینده پاکستان متصل کند. همچنین، یکی از انگیزه‌های این کریدور، رقابت با کریدورهای ایران می‌تواند باشد، به‌طوری‌که راه‌آهن خواف-هرات میان ایران و افغانستان راه‌اندازی شده و چندین قطار در این مسیر به حرکت درآمده‌اند و ترکیه و افغانستان می‌توانند از طریق ایران به یکدیگر متصل شوند، اما آنکارا و پاکو قصد دارند تا با کم کردن اهمیت راهبردی که ایران می‌تواند در این پروژه داشته باشد، تهران را تحت فشار قرار دهند. راه لاجورد در حالی طراحی شده است که مسیر ایران به عنوان بهترین و کوتاه‌ترین و

برابر دیگر رقیبا و دشمنان واشنگتن باشد. از سوی دیگر رئیس‌جمهور آمریکا هرچند رژیم صهیونی به‌شدت مخالف فروش جنگنده پیشرفته اف-۳۵ به ترکیه است، حاضر شده در ازای جلب نظر این کشور به توقف واردات از روسیه و جایگزینی با انرژی تولیدی آمریکا، این جنگنده‌ها را در اختیار آنکارا قرار دهد.

۴. روسیه فکر می‌کرد به دلیل اهمیت مهار چین برای ترامپ، حزب جمهوری‌خواه و طرفداران جنبش ماگا و همچنین تأثیرپذیری بالای ترامپ از لابی صهیونیستی این کشور که باعث تشدید فشارها بر ایران شد، مجالی خواهد یافت تا با مانورهای خاص دیپلماتیک، از پیشانی درگیری‌ها با آمریکا خارج شود، اما دریافت یک هدف اساسی است و امکان توقف چالش‌ها با غرب وجود ندارد. روس‌ها بر همین اساس زودتر از آنکه با تحرکات آمریکا روبه‌رو شوند، با شرکت در رژه چین و تأکید بر همگرایی خود با متحدان شرقی، در دام واشنگتن نیفتادند. اگر مسکو حرکت‌های سنگینی علیه شرق برای معامله با آمریکا انجام می‌داد، در نهایت با بدقولی‌های واشنگتن نه‌تنها به منافع نمی‌رسید، بلکه اعتماد متحدان شرقی را هم از دست می‌داد.

۵. ترامپ گرچه به‌شدت بر تیل نش‌ها با ونزوئلا می‌کوبد، در اوایل دولتش مجوز فعالیت شرکت نفت آمریکایی «شورون» در این کشور را در بهار ۲۰۲۵ لغو کرد، اما در تابستان آن را مجدداً اعمال کرد. رئیس‌جمهور آمریکا تمرکز ویژه‌ای بر بازار نفت دارد و علاوه بر اقتصاد به جنبه‌های ژئوپلیتیکی توجه نشان داده است. آمریکا برای آنکه وابستگی خود به نفت خلیج فارس را کاهش دهد، علاوه بر تقویت تولید داخل با سرمایه‌گذاری بر فناوری و میادین نفت و گاز شیل، انرژی وارداتی مورد نیاز خود را از منابعی در آمریکای شمالی مانند کانادا و مکزیک و منابعی در آفریقا مانند نیجریه تأمین می‌کند. این مسئله به واشنگتن اجازه می‌دهد ریسک درگیری‌ها بر تأمین انرژی‌اش را مدیریت کند. اگر آمریکا بتواند بر ونزوئلا مسلط شده و یا امتیاز قابل توجهی اخذ کند، کاهش وابستگی این کشور به مناطق پرریسک برای تأمین انرژی‌اش بیشتر خواهد شد.

شنبه ۵ مهر ۱۴۰۴

شماره ۴۵۱۵

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE

کریدور زنگرور به آمریکا امکان می‌دهد که برای نخستین بار به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در زیرساخت‌های قفقاز جنوبی حضور پایدار داشته باشد و نفوذ بلندمدت اقتصادی و سیاسی خود را تثبیت کند.»

این توافق همچنین بخشی از راهبرد واشنگتن برای کاهش نفوذ روسیه است. مسیر جدید در واقع به تکمیل «کریدور میانی» کمک می‌کند که از چین و آسیای میانه از طریق دریای خزر، آذربایجان و ترکیه به اروپا متصل می‌شود. به این ترتیب، جایگزینی برای «پل زمینی اوراسیا» در خاک روسیه ایجاد می‌شود و مسیرهای سنتی روسیه و ایران برای اتصال شرق به غرب، اهمیت خود را از دست می‌دهند. این امر موقعیت ژئواکونومیک ایران را به ویژه در کریدور شمال-جنوب تضعیف می‌کند، زیرا آذربایجان برای اتصال به نخجوان دیگر نیازی به استفاده از خاک ایران نخواهد داشت.

از منظر اقتصادی، ایالات متحده علاوه بر توافق سه‌جانبه با پاکو و ایروان، قراردادهای دوجانبه‌ای نیز امضا کرده است که بر توسعه انرژی، فناوری و اقتصاد تمرکز دارد. بر اساس گزارش USA Today، این توافق‌ها فرصت‌های جدیدی برای حضور شرکت‌های آمریکایی در حوزه‌های انرژی (نفت و گاز جمهوری آذربایجان) و زیرساخت‌های دیجیتال (کابل‌های فیبر نوری) فراهم می‌آورد. آن‌ا کلی، سخنگوی کاخ سفید این پروژه را «امکانی برای اتصال بدون مانع، حفظ حاکمیت ارمنستان و تقویت امنیت انرژی اروپا» توصیف کرده است.

در بعد امنیتی، ترامپ در جریان امضای توافق، لغو محدودیت‌های همکاری دفاعی با آذربایجان را اعلام کرد؛ محدودیت‌هایی که از سال ۱۹۹۲ تحت قانون «حمایت از آزادی» اعمال می‌شد. فیلیشیا شوارتز، خبرنگار Politico، این اقدام را «نشانه چرخش استراتژیک آمریکا به سمت پاکو» توصیف کرده است. این تغییر راه را برای انروش تسلیحات آمریکایی و تعمیق همکاری‌های نظامی با آذربایجان باز می‌کند و جایگاه این کشور را به‌عنوان متحد کلیدی ایالات متحده در قفقاز تثبیت می‌سازد (Politico، ۲۰۲۵).

با وجود دستاوردهای اقتصادی و ژئوپلیتیکی برخی کارشناسان به نقاط ضعف توافق نیز اشاره کرده‌اند. آلکس گالیسکی، مدیر برنامه کمپته ملی ارمنی آمریکا هشدار داده است که «عدم توجه به حقوق بشر، آوارگان دریابغ و زندانیان جنگی می‌تواند مانع از تحقق صلح پایدار شود.» (ANCA، ۲۰۲۵). با این حال، واشنگتن امیدوار است که «جاده ترامپ» نه‌تنها به عنوان نماد صلح، بلکه به‌عنوان رقیب جدی برای کریدورهای ایران و روسیه آینده نظم ترانزیتی منطقه را بازتعریف کند.

ایران و مسیره‌هایی که باید ترسیم کند

آنچه امروز برای ایران اهمیت دارد، صرفاً رقابت بر سر مسیره‌های ترانزیتی نیست، بلکه توانایی تبدیل تهدیدها به فرصت است. حضور و نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای در همسایگی ایران می‌تواند به‌جای آنکه صرفاً به‌عنوان یک تهدید تلقی شود، به ابزاری برای متقاعد ساختن بازیگران شرقی همچون چین بدل شود تا به دنبال مسیره‌های جایگزین و پایدار باشند. ایران با آنکا به موقعیت جغرافیایی یگانه خود، این امکان را دارد که چنین جایگزینی را ارانه دهد و نقش خود را به‌عنوان حلقه‌ای مطمئن در اتصال شرق و غرب تثبیت کند. تجربه تاریخ نشان می‌دهد که کشورها باره‌سا از رقابت قدرت‌های بزرگ برای تقویت موقعیت خود بهره برده‌اند. برای مثال، مصر در دوران جمال عبدالناصر توانست از تضاد میان آمریکا و شوروی در جنگ سرد استفاده کرده و پروژه‌های بزرگی همچون سد اسوان را پیش ببرد، پی‌آنکه به یک‌سوی این رقابت وابسته شود. ایران نیز می‌توانسد با بهره‌گیری از همین منطق، بسا ارانه طرح‌ها و ابتکارات نوین، مسیرم‌گذاری خارجی را جذب کرده و موقعیت ژئوپلیتیکی خود را ارتقا دهد. بنابراین، در فضای ماطلام منطقه‌ای، آنچه اهمیت دارد، نه واکنش منفعلانه به طرح‌های دیگران، بلکه معرفی ابتکار عمل‌های جدید است. ایران اگر بتواند نقشه‌های راه خود را برای تقویت زیرساخت‌های ترانزیتی، انرژی و فناوری ارانه دهد، هم ششکرای خارجی را به مشارکت ترغیب می‌کند و هم از تبدیل شدن روندهای توسعه‌ای پیرامون خود به تهدیدهای امنیتی جلوگیری خواهد کرد. این مسیر می‌تواند ضامن ثبات اقتصادی و ژئوپلیتیکی کشور در بلندمدت باشد.

۱۵